

پیشگفتار مازیار رازی

رفورم اجتماعی یا انقلاب؟

وقایع مهم تاریخ معمولاً خود را تکرار می‌کنند. در آستانه دهه ۳۰ قرن بیستم، دستاوردهای انقلابی جنبش کارگری با شکست‌های تعیین‌کننده‌ای مواجه شدند و گرایش‌های راست‌گرای فاشیستی رو به رشد نهادند. بحران عمیق اقتصادی نظام‌های سرمایه‌داری از یک سو، و عدم وجود رهبری انقلابی کارگری در سطح جهانی، از سوی دیگر، پیش‌روی‌های جنبش کارگری علیه نظام سرمایه‌داری را مسدود کردند. سیاست‌های سازش طبقاتی استالینیزم آخرین سنگرها و دستاوردهای جنبش کارگری را به نابودی کشاند. در این دوره، جو رخوت و دلسردی بر روشنفکران انقلابی غلبه کرد. عده‌ای از شکست‌هراسان شده و مبارزات طبقاتی را رها کرده و برخی دیگر علل شکست را در خود نظریات انقلابی جستجو کردند و به کشف عقاید "نوین" مشغول شدند. اما، در مقابل این روند، عده‌ای نیز کماکان به حفظ و تداوم دستاوردهای انقلابی کمر بستند و نظریات و سنن انقلابی را رها نکردند و در راستای تکامل آنان گام‌های مؤثر برداشتند. تاریخ جنبش کارگری، تاریخ مبارزات ادامه‌دهندگان پیگیر نظریات سوسیالیزم انقلابی بوده و هست.

در دهه ۹۰ نیز با فروپاشی نظام‌های حاکم بر شوروی و اروپای شرقی و تغییر تناسب قوا به نفع امپریالیزم، بار دیگر گرایش‌های گریز از مرکز در میان "روشنفکران" وحشت‌زده از شکست، مشاهده می‌شود. اپوزیسیون چپ ایران نیز از این وضعیت مستثنی نیست. شکست انقلاب اخیر ایران نیز موقعیت آنان را دو

چندان وخیم تر کرده است. تعداد محافل، دسته های رنگارنگ "نوآوری" و "نویطلب" "پست مدرنیزم" در همه جا سایه افکنده است. افراد و محافلی از گرایش های نظری متفاوت و حتی متضاد همه در یک نکته توافق نظر دارند: "نظریات انقلابی سابق کهنه شده اند و منطبق با وضعیت کنونی نیستند و باید مباحث

نوین ارائه داد!"

انتشار نشریات "تنوریک" متعدد نمودار وضعیت کنونی "نوآوران" است. عده ای دست به "نقد" و "کنکاش" زده اند و برخی نیز صرفاً با افزودن پسوند "نو" و "مدرن" نشریات خود را تزیین کرده اند. اعتقادات "مدرنیزم"، "پُست مدرنیزم" و "پسا مدرنیزم" در واقع مطلب "نو" ای به ارمغان نیاورده که همان نظریات کهن گرایش های ورشکسته جنبش کمونیستی یا بورژوایی را صرفاً تبلیغ می کنند (کائوتسکیزم، مکتب فرانکفورت، برنشتاینیزم، منشویزم و غیره). تمایلات ضد نظریات سوسیالیستی انقلابی در بیشتر نشریات به وضوح به چشم می خورد. اصلاح طلبان دولت سرمایه داری ایران به همراه توده ای ها و اکثریتی ها و سلطنت طلبان سابق به تازگی «سوسیال دموکرات» شده! همه از مبلغان کنونی این نظریات کهن هستند. تمام آن ها ضدیت خود را با نظریات سوسیالیزم انقلابی در راستای رهایی طبقه کارگر به این نحو به نمایش گذاشته اند.

در این تردیدی نیست که جریان های چپ می بایستی پیگیرانه در صدد تجسس و تحقیق و تکامل نظریات جدید باشند. اما کنار گذاردن عمل متشکل سیاسی و عدم دخالت در جنبش کارگری و ضدیت با نظریات انقلابی و تمایل به نظریات انحرافی جنبش کمونیستی، روش صحیح پیشبرد و تکامل نظریات انقلابی نیست.

"نوآوران" ایرانی اغلب در رد نظریات مارکسیزم انقلابی، به نظریات کائوتسکی، برنشتاین استناد می کنند. در واقع، هیچ یک از این نظریات نه در زمان خود، "نو" و راهگشایی مسایل جنبش کارگری بودند و نه امروز. درست برعکس هر یک از آن نظریات به درجه ای نظام های موجود سرمایه داری منحظر را توجیه کرده و نهایتاً

مسیر انقلاب های کارگری را منحرف کردند. امروز، در آستانه قرن بیست و یکم، طرح این قبیل نظریات به مثابه نظریات "نو"، برخوردی غیر اصولی است. برای مقابله با این قبیل "نوآوری" ها، پیشروی کارگری و جوان سوسیالیست ایران ضروری است که در مقابل این گرایشات، با عقاید مارکسیزم انقلابی بیشتر آشنا شوند.

تاریخ نظریات و عملکرد گرایش های رفرمیست و تجدیدنظر طلب، تاریخ مامشات با بورژوازی و خیانت به جنبش کارگری بوده است. به سخن دیگر، خدمت به بورژوازی تحت عنوان «مارکسیسم»! بدیهی است که نسل نوین انقلابیون در سراسر جهان، بخصوص پس از فروپاشی شوروی، واهمه ای از ارانه نظریات نوین در تکامل سنت های انقلابی تجارب نظری و عملی جنبش کارگری طی دو قرن گذشته، نداشته و نمی تواند داشته باشد. اما، تجدید نظریات ورشکسته رفرمیستی و تجدیدنظرطلبی اوایل قرن بیستم، تحت عنوان عقاید "نو" - آن هم زیر لوای مارکسیزم- در بهترین حالت فریب کاری و در بدترین حالت خیانت آشکار به نسل جوان است.

تکامل و تدوین عقاید نوین بایستی بر اساس سنت های نظری و عملی انقلابی جنبش کارگری صورت گیرد. یعنی، دستاوردهایی که در عمل صحت آن ها اثبات شده است (صرف نظر از اشتباهات تاکتیکی و جزئی). به قول لنون تروتسکی: "هیچ دلیلی برای رد متد علمی، تا زمانی که هیچ کس، مطلقاً هیچ کس، چیز برتری برای جایگزینی ی آن ارانه نداده"، وجود ندارد. شناسایی سنن انقلابی نیز برای افراد غیرمغرض چندان دشوار نیست. دستاوردها و سنن انقلابی یا سوسیالیزم انقلابی متکی است بر: نظریات مارکس و انگلس (مبارزه علیه انحرافات آنارشیستی)، جناح چپ بین الملل دوم (مبارزه علیه انحرافات تجدیدنظر طلبی و رفرمیستی بخصوص در آلمان و روسیه)، بلشویزم و چهار کنگره اول کمینترن (مبارزه علیه انحرافات رفرمیستی)، اپوزیسیون چپ حزب کمونیست شوروی و جنبش تروتسکیستی پس از

۱۹۳۰ (مبارزه علیه انحرافات استالینیستی)، بنیادگذاران اصلی این سنن انقلابی نیز مارکس، انگلس، لنین، لوکزامبورگ، تروتسکی (و هم چنین ده ها انقلابی دیگر مانند گرامشی، مهرینگ، زتکین، ویکتور سرچ، آلفرد روزمر و غیره) و صدها هزار تن از پیشروان کارگری جهان بوده اند.

این سنتی است که همواره مبادرت به تلفیق تنوری با عمل کرده است. هم چنین با دگم های روشنفکرانه شبه "مارکسیست" های فضل فروش، مبارزه و برش قاطع کرده است. همواره کوشیده که مارکسیزم را با دنیای در حال تغییر وفق دهد. مهم ترین سهم نظری این گرایش فکری به جنبش کارگری تنوری های حزب پیشتاز انقلابی (لنین)، اعتصاب عمومی (لوکزامبورگ)، انقلاب مداوم (تروتسکی)، امپریالیزم و اقتصاد جهانی (لوکزامبورگ، بوخارین، لنین و تروتسکی)، تحلیل نقش ضد انقلابی استالینیزم (تروتسکی)، فاشیزم (تروتسکی)، فلسفه ی مارکسیستی (لنین، گرامشی و لوکاچ)، بوده است.

اما، به غیر از ۱۹۲۳-۱۹۱۷ (دوره ی انقلاب اکتبر روسیه)، طرفداران نظریات و تنوری سنن انقلابی همواره اقلیت بسیار کوچکی از جامعه را تشکیل می دادند. علت آن نیز روشن است، ایدئولوژی حاکم در جامعه ی سرمایه داری ایدئولوژی هیئت حاکم است. توده های عظیم کارگری، تنها در دوران اعتلای انقلابی به عقاید انقلابی جلب می شوند و آگاهی انقلابی در چنین دوره ای ما بین کلیه ی قشرهای تحت ستم تأثیر می گذارد. توده های انقلابی و سرمایه داری در وضعیت عادی در کنار یکدیگر زندگی مسالمت آمیز نمی توانند داشته باشند. بنابراین، کناره گذاری عقاید انقلابی و یا تأخیر در انجام فعالیت متشکل، به بهانه نداشتن پایه ی توده ای و یا "نداشتن گوش شنوا" در جامعه، عملی است کاملاً غیر اصولی و فرصت طلبانه. این سنن در عین حال نه یک سلسله نظریات همگون و یکپارچه هستند و نه خالی از اشتباه. بحث ها و جدل های عمیق در درون طیف سوسیالیست های انقلابی برای پیشبرد مبارزات طبقاتی، خود نمایانگر وجود اختلاف و مبادله نظر در درون این

طیف است (بحث‌های لوکزامبورگ و لنین در مورد حزب پیشستانز انقلابی و مسئله‌ی ملی؛ لنین و تروتسکی بر سر انقلاب روسیه؛ و یا بحث‌های درونی حزب بلشویک قبل از انقلاب اکتبر و غیره). کلیه بحث‌ها بطور دمکراتیک، اما مصممانه و حتی با لحن شدید، صورت گرفته‌اند و می‌گیرند و نظریاتی که در عمل صحتش به اثبات رسیده به عنوان دستاورد به گنجینه‌ی سنن سوسیالیسم انقلابی افزوده شده و می‌شوند. بر این اساس سنن انقلابی تکامل و ادامه یافته و می‌یابد (و نه بازگشت به نظریات منحنی رفرمیستی قرن گذشته). اشتباهات و کجروی‌های تاکتیکی نیز، طبعاً، در این طیف وجود داشته است که با اتکاء به تجربه طبقه‌ی کارگر یا اصلاح شده‌اند و یا در مقابل آن‌ها مبارزه انجام گرفته و نهایتاً به کنار گذاشته شده‌اند.

یکی از تداوم‌دهندگان راه سوسیالیسم انقلابی در مقابل اصلاح‌طلبان دوره خود، روزا لوکزامبورگ بود. او یک متفکر سیاسی مستقل بود که در مورد انقلاب برعلیه سیستم سرمایه‌داری و جنگ امپریالیستی و مواضع رفرمیستی در حزبش نه تنها موضع گرفت بلکه رفتار او نیز در این مورد انقلابی بود. مبارزه شدید او بر ضد رهبری سنتریستی و بوروکراسی برای آن‌هایی که قادر نبودند که مقررات تشکیلاتی حزب را مراعات کنند به منزله‌ی الگویی در آمد.

روزا آثار زیادی در مورد مسائل تنوریک و سیاست روز نوشته است. "رفورم اجتماعی یا انقلاب" از جمله آثار است که به عنوان عکس‌العملی شدید در برابر انتقاد برنشتاین از تاکتیک و ایدئولوژی جنبش به وجود آمده است. مجادله تنوریک اولیه با بروز اختلافات در جنبش کارگری آلمان به سرعت آشکار گردید. رویزیونیست‌ها از قبیل فولاو، داوید، اوئر و غیره گردِ محور اصلی رویزیونیسم یعنی برنشتاین متمرکز شدند و وقتی در ۱۸۹۸ در کنگره اشتوتگارت برنشتاین فرمول خود را به این ترتیب خلاصه کرد که: "هدف نهایی برای من اهمیتی ندارد. بلکه این جنبش است که برای من همه چیز محسوب می‌شود." روزا به عنوان

اعتراض فریاد زد: "...نه برعکس جنبش فی ذاته و بدون رابطه با هدف نهائی و جنبش به عنوان منظور اصلی هیچ چیز نیست و فقط هدف نهائی است که برای ما مهم می باشد."

فروردین ۱۳۸۵

ترجمه: انتشارات سیاهکل، سازمان چریک های فدائی خلق، فروردین ۱۳۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴